

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

21 جولای 2013

شعر از "چاووش"

شعرهای مقاومت

از مجموعه "یک گام تا بيمرگی"

(هفت)

همزادِ زندگی

همزادِ خوبِ زندگی، بشنو!

آوای دردمندِ مرا، کز دیار شب

در کوچه سارِ یادِ تو پرواز میکند

شیبوی باغِ وسوسه انگیزِ یادِ تو

در آسمانِ خاطره ام موج میزند

در چارسویِ این شبِ خونبارِ بی سحر

از چشمِ سایه ها

هر سو نگاهِ کور دمیده ست

بر باره های شب

بینم که سایه ها همه جا دیدبان شوند

من در حصارِ شب
در چار میخ بسته به زنجیرم
من در شکنجِ مرگ
در انتظارِ لحظهٔ اعدام
من در گلوی خویش
سرپنجه های سرد و تبهکارِ مرگ را
احساس کرده ام
من مرگ را به پویهٔ جولانِ زندگی
کز لای سایه های عبوس شبانه ها
با دیدهٔ دریده و با تیغ خونچکان
قد بر کشیده است
صد بار دیده ام
ای آخرین ستارهٔ بختِ سیاهِ من
برقِ نگاهِ تو
سیمای صبحِ زندگی را
در آسمانِ شبزده تصویر میکند

همزادِ خوبِ زندگی پُرمالِ من
امشب تمامِ زندگی را
در یادِ دردیورِ تو گریه میکنم

پیوندِ ما و تو
آن نسبتِ شگفتی ست، خواهر!
لطف و صفایِ عابد و معبود را به آن
پیمانهِ میکنند
ای مهرورزِ من!
دستِ تو بذرِ مهر برافشانده در دلم
این باغِ پُرجوانهٔ قلبم را

چون دسته گلی
در رود اشک جاری خود میکنم رها
تا قلب مهرجوشم ، در پیشگاه تو
در ماورای غربت من باز بشگفتد
پروردگارِ مهر!
دستان ما و تو
در آسمان هستی ما پُل کشیده است
من از فراز آن
در جلوه گاه لطف و صفای تو هر زمان
از خویش بگذرم

همزادِ جاودانی من، خواهر!
دانم که یادِ من
در مویه های شیونت هر شب
شبناله های رنج ترا ساز میکند
در چشمهای منتظرت خوانم
آن سوگیانه آیه دلتنگی
کز اشتیاقِ یافتنم هر سو
در کوچه های غمزده پرواز میکند
آواگرِ حزین تو هر شب
آن نغمه های قدس الهی را
در یادِ تلخجوش من آغاز میکند

هان، ای طلوع مهر!
آنجا بمان، همیشه بمان، تا که من
زیباترین سرود سزاوارِ مهر را
از نغمه های گرم تو در گوش بشنوم

آنجا بمان، همیشه بمان، تا که من
این راهکوره شب یلدا را
در روشنای تابش چشمانت
تا پای بسپرم
وز لای این سیاهی دلگیر بگذرم

شبتابیت روان بلا دیده مرا
با دستهای گرم نوازشها
آباد میکند
تابنده باد، پرتو تو در غروب من
بی پرتو نگاه تو همزاد خوب من
میمیرم و ز خنجر مرگم گریز نیست
دانم که
بی تو هوای بودن من دلپذیر نیست

همزاد خوب زندگیم، خواهر!
شبیوی یاد تو
در آسمان خاطره ام موج میزند
فریاد دردمندی من از دیار شب
در کوچه های یاد تو پرواز میکند

(دلو 1361)